



فعالیت مدنی، باعث شکوفایی فردی و استحکام اجتماعی می شود

## اردوهای جهادی و احساس مفید بودن

گروه های مردمی و فعالیت های مدنی که در جهت کمک بیشتر و خیر عمومی انجام می شود، همه کمک می کنند که افراد در شغل کسل کننده و گاه بی خاصیت خود منحصر نشوند و هویت خود را در خارج از شغل و کار روزمره در فعالیتی بزرگ تر تعریف کنند. گروه های جهادی کمکی است به این هویت سازی و پیشرفت فردی. درست است که آدم ها تحت قالب اردوهای جهادی به سازندگی می پردازند و شهرها و روستاها، مردم و کودکان را نجات می دهند و از انسان و حیات او در برابر خشم طبیعت و هموعان نادانشان دفاع می کنند، اما این خودموجبات خودسازی و خودشکوفایی افرد را میسر می کند.

در منشور مأموریت ها و رسالت های اردوهای جهادی هم این طور آمده که اردوهای جهادی منجر به «تحکیم روحیه کار، تلاش، عدالت خواهی و مطالبه گری» و «خودسازی جهادی و تربیت سرمایه های انسانی با فراهم سازی بستر مناسب جهت تربیت آنها» و «کمک به شکوفایی، تربیت و آموزش های عمومی و تخصصی آحاد افراد جامعه بویژه مناطق کم برخوردار با ایفای نقش واسطه فعال میان نهادها و بزرگواران خدمت رسانی» می شوند. همه این موارد در منشور رسالت های گروه های جهادی که در پایگاه های مجازی آنها و مرامنامه هایشان قرار گرفته، نشان دهنده اهداف فردی و انفسی این رویکرد است. به معنای دیگر اردوهای جهادی مصداق خودسازی است به عنوان پیشفرضی برای ساخت جامعه و فضای زندگی.

است که در کشورمان وحدت را فراتر از همه چیز ایجاد کرده است؛ بسیج مردمی مؤمن و خیرخواه که برای زندگی تلاش می کنند. طبق تعریف پایگاه اینترنتی جهادگر که سایت تجمیع کننده و اطلاع رسانی گروه های جهادی است، حرکت جهادی در اصطلاح عبارت است از مجموعه اقدامات سازنده و اثر گذار اقشار متنوع مردم در قالب گروه های خودجوش، برای حضور فعال و کارآمد در نقاط آسیب پذیر، نیازمند و برآمده از اخلاص، همت، مسئولیت پذیری، وظیفه شناسی و روحیه مبارزه با رسالت خودسازی جهادی و خدمت رسانی مادی و معنوی در راستای دستیابی به قله های عالی انقلاب اسلامی ایران. پس اردوی جهادی کاری بزرگ است برای جامعه ای بهتر و وحدتی از نوع متعالی تر از سیاست.

### تأثیرات فردی

یکی از شرایط رضایت مندی انسان احساس مفید بودن است. مفید بودن در جامعه و منشأ اثر بودن با سلامت روحی و روانی ارتباط مستقیم دارد. از سوی دیگر در جامعه ای که عده زیادی از مردم خود را در آن سهمیه و در سازندگی آن مؤثر بدانند، امنیت ملی تضمین شده و ثبات دیر پا خواهد بود. افراد تنها از طریق شغل خود نیست که در جامعه احساس مفید بودن می کنند. بسیاری از مشاغل، خاصه مشاغل فرهنگی تأثیر مادی و ملموس ندارند، بسیاری از کارمندان نقش خود را در سازندگی و پیشرفت جامعه حس نمی کنند، اما نباید به این دلیل از آن احساس مهم مفید بودن محروم باشند.

### تأثیرات جمعی

وحدت در جوامع بشری همواره از سوی حکومت ها ایجاد شده است. این وحدت از طریق قدرت اتفاق افتاده، یعنی به نام منافع ملی از طریق حاکمان حفظ شده است. وحدت همواره با عقاید، نیازهای اولیه (غذا، پوشاک و مسکن) و ایدئولوژی ها در بین توده ها ایجاد شده است. در این میان، دشمن حتی در سطح یک ایده در ساختن این وحدت نقش مهم داشته است. دشمن عاملی وحدت ساز بوده که با خطر خود، اتحاد مردم را حفظ کرده است. با میزان اتصال به حقیقت و عدالت، همواره این نوع وحدت بخشی مشروعیت یافته است. باورهای الهی، عدالت طلبی و صلح همیشه توانسته بخوبی مردم پراکنده یک سرزمین را یک ملت کند و حتی بشریت را در همه نقاط دنیا به هم متصل گرداند، اما این انواع وحدت که متصل به سیاست و ایدئولوژی بوده و هستند، موجبات تفرقه را هم پدید آورده اند، به نوعی که بسیاری از مردمان رویاروی عده ای دیگر قرار گرفته اند و جنگ هایی بزرگ را سبب شده اند. اما آن وحدتی شکستنی و در مقاطعی خاص راهگشاست. خاصه در بحران های اجتماعی و طبیعی - که جد از ایدئولوژی ها، غیرسیاسی و فارغ از مناسبات قدرت، از روی شفقت و همدردی انسانی میان افراد ایجاد می شود: برای بهبود جهان، برای مقابله با خشم طبیعت، جنگ و خرابکاری، برای نجات انسانیت، حق حیات و ادامه زندگی خوب روی زمین.

اردوهای جهادی یکی از اشکال بزرگ و متداولی

## مجاهدان خاکی

حرف اول

این حرکت یک جهاد تمام عیار است. حرکت عظیمی که در دوران جمهوری اسلامی، با الگوگیری از نهضت جهادی صدر اسلام شکل گرفت. از سی سال پیش، جوانان متدین و انقلابی تحت عنوان اردوهای جهادی، به روستا می روند و از درو کردن گندم تا واکنس زدن به دام و راه اندازی آب و برق در خدمت روستاها هستند. بنده زمانی به دوستان عرض کردم که سریعترین رکورد توسعه و آبادی، در اردوهای جهادی صدر انقلاب تجربه شد... اولاً به شما بگویم که این اردوهای جهادی و خدمت به خلق، برای خود فرد بیش از خلق مفید است. البته خدمت می کنید و منافعی برای روستائیان و مناطق محروم دارد، اما برای خودتان بیشتر منافع دارد. کرم تا وقتی که در پيله خودش است، موجودی ست مسمم کننده، اما وقتی از پيله خودش بیرون می آید، یکی از زیباترین موجودات می شود.

ادامه در صفحه چهارم

○ شما جوانان عزیز، فرزندان عزیزم، برادران و خواهران بارزین فعال و متعهد که با حضور خودتان، با نیروی خودتان، با جوانی خودتان، با شور امید و ایمان خودتان، کشور را و جامعه را و این دوره ای از زمان را رونق میبخشید و تاریخ را آبرومند می کنید.



سفر نامه سه روزه به خوی

## هر که هوس خوی دارد بسم الله!



اما خداییش اگه ممکنه  
یه دست کامل از  
چمن های بنفش، آب  
حوض بنفش میدان  
اصلی شهر، سیم های  
برق بنفش، خطوط  
عابر پیاده بنفش و چراغ  
راهنمای و رانندگی  
بنفش؛ اواسه دانشگاه  
ماهم بخیرین؛ هزینه  
ش هرچی باشه دوبرابر  
پرداخت میکنم.



جا داره تشکر ویژه  
از آقای میم-الف  
داشته باشیم که به  
طرز خارق العاده ای  
به دنبال پیچانیدن  
ما در آموزش و  
پرورش بود... اما با  
نیرنگ های شیطانی  
میم-عین روغن بادام  
صفرافزود... داداش  
ما خسته اون راهی  
هستیم که شما در  
پیش گرفتید!...  
بعله... اینجور یاس



برق تنها در ساعت  
۱۶:۳۱ لغایت ۱۷:۵۱ در  
اختیار هم میهنان عزیز  
میباشد  
از ارائه سایر خدمات  
معذوریم!-  
نکته شهنمگم  
صداهای عجیب از  
قبرستان مجاور خوابگاه  
و مرده شور خانه کنارش  
به گوش خواهد رسید.  
لذا از همه خواهران  
عاجزانه تقاضا داریم...

آقا در روزهای گرم و طاقت فرسای رمضان در خانه  
به سر می بردم و در پی گشایش رمز و رازهای کتاب  
پر محتوای پر مضمون پاراسایتولوژی از نوع مدیکال ش  
بودم که به از خدایی خبر که سالی به بار زنگ نمیزنه  
بینه در قید حیات هستیم یا نه، مسیح فرستاد که  
کوله بار سفر ببند که جاده ما را میخواند!

دروغ های بی سرو پای اینجانب در وصول به نتیجه  
بازماند و این دوست بی نشان به جهت همراهی  
اینجانب با وی خوشحالی در پوست خود نمیگنجید.  
با هر سختی و با توسل به انواع امور فیزیکی و  
متافیزیکی، ایشان و مایحتوی شان را در پوست  
گنجانیدیم و جهت یابیدن عرصه برای هجرت به  
سمت «خوی» رهسپار گشتیم.

چشم تون روز بد نبینه. با یه مزادی ساخت چین،  
مونتاز سعادت آباد علیای گچساران ایران و با سرویس  
حسن پنجه طلای صافکار و رضا آپاراتی راه پرفراز و  
نشیب ایالت خوی را پیش گرفتیم.

چیپس های مانده بین راهی با طعم کدوتنبیل، پفک  
با پنیر محلی تبریز و رنگ های ارگانیک، آبیومه های  
گوجه فرنگی و کرفس غنی شده با پتاس توشه  
راهمان بود که با صدای خسته ی استاد بنان حال  
و هوای دیگری به روده های بدبخت اینجانب میداد!  
این دوستان که علاقه وافر ی به میخائیل شو ماخر  
داشت که گاه بر فراز ابرها رفته و ضمن گرفتن  
مقداری جو سرعت از حد میگذرانید که موجبات  
ظهور برادران کفگیر به دست پلیس میشد که البته

خدعه هایی شیطانی ما را از بند جریمه می رهانید.  
خلاصه در طول مسیر به سبب رانندگی مطمئن و  
بی حاشیه ی اخوی و ایمنی iso 9002 خودروی  
فوق الذکر اینجانب با جناب عزرائیل مارویله بازی  
میکردم که الحمدالله با درایت زاید الوصف نتیجه را  
به نام خود رقم زدم!

القرض بعد از بیمودن مسافتی چند در نهایت خود را  
در خوی یافتیم و برای این سلامت جان شکر بسیار  
گزاردیم.

هر چند که ما را با نام خوی از لانه بیرون کشیده بودند  
اما از آنجایی که آب و هوای حومه ی خوی در نزد  
ما بسیار تعریف شد از فرط استیصال پس از گشت  
و گذار فراوان و انجام کاغذبازی های بی حد و حصر

در اداره جات شهرستان، راه حومه ی خوی را پیش  
گرفتیم  
فرصت را غنیمت شمرده و برخورد وظیفه میدانم از  
تمامی دوستان شاغل در شهرداری، شورای شهر،  
سازمان زیباسازی شهرستان خوی کمال تشکر رو  
داشته باشم که با رنگ زیبا، دلنشین، دلربا و لب دوز و  
لب سوز «بنفش حاج حسنی» شهر را آراسته و زینت  
داده بودند اما دریغ از دو تا تابلوی درست و درمون.  
آخه من بدبخت ۲۴ ساعته گردنم بیرون بود از شیشه  
اتومبیل و دنبال آدرس...!

اما خداییش اگه ممکنه یه دست کامل از چمن  
های بنفش، آب حوض بنفش میدان اصلی شهر،  
سیم های برق بنفش، خطوط عابر پیاده بنفش و  
چراغ راهنمایی و رانندگی بنفش؛ اواسه دانشگاه ما  
هم بخیرین؛ هزینه ش هرچی باشه دوبرابر پرداخت  
میکنم  
(جانم!؟)

- آها... باشه باشه... فدات... قربانت...  
- از اتاق فرمان اشاره کردن که هنوز بودجه ی  
صندوقچه طلایی رفاه پرو بچه های دانشجو تعیین  
نشده... بهت وام نمیدیم به این زودی ها... قول واهی  
نده...! (چشم)

خلاصه پس از کش و قوس های فراوان در شهر  
خوی و نشست و برخاست با عده ای از مسئولین  
دلسوز به نکاتی چند پی بردیم که لازم است قبل از  
شرح مسیر حومه به آنها پیروا کنیم:

۱- آقا حاج حسن کلید تدبیرش تازه رفته بود تو قفل  
تحریم و ساعت کاری رو کم نکرده بود؛ چراندق و دلی  
هاتونوسر من بدبخت خالی میکنید!؟

۲- یه وقت میگم زشت نباشه ۲۳ دقیقه و ۴۷ ثانیه  
قبل از پایان وقت اداری محل خدمت رو بدون اطلاع  
قبلی ترک میکنین... یه وقت دیدین یه ارباب رجوعی  
همچون اینجانب دهنش لقی بود و کار دستتون داد  
ها...!؛

۳- از آنجاییکه ما مسافر بودیم و مسافر هم طبق  
موازین شرعی نمازش شکسته و روزه اش کُلُّهُم  
أَجْمَعین قبول نمی باشد لذا پذیرایی از مسافر از  
أوجب واجبات است. عاره جناب! اینو گفتم هی  
نگین بیخشین ما هر مضمونه و اسباب پذیرایی نداریم...

یا لانچی..

۴- جا داره تشکر ویژه از آقای میم-الف داشته باشیم  
که به طرز خارق العاده ای به دنبال پیچانیدن ما در  
آموزش و پرورش بود... اما با نیرنگ های شیطانی  
میم-عین روغن بادام صفرافزود... داداش ما خسته  
اون راهی هستیم که شما در پیش گرفتید!... بعله...  
اینجور یاس

۵- از پرو بچه های داخل آشپز خونه شبکه بهداشت  
خوی، جلوی آشپز خونه، پشت آشپز خونه و کلیه  
ارگان های مربوطه مچکریم که موزهای ما رو بالا  
کشیند!

۶- از مسئول دفتر حاج آقا اوقاف هم خواهش  
میکنیم از اون سیستم فوق فضایی متصل به درب  
اتاق حاجی برای ما هم سفارش بدن... برای حفظ  
امنیت جانی «سرباز وظیفه-میم-ف» لازم داریم...  
به جان خودم نباشه به جان شما فک کنم درب  
ورودی کاخ سفید از ضلع شرقی هم از این سیستم  
ها نداشت... بازم خدا روشکر که الحمدالله وگرنه والا  
به خدا...

(اینارو گفتم تا اوج مشقت و رنجی که در سه روز و در  
خوی چشیده ام دستتون بیاد!)  
اما اگر بخوایم در مورد مسیر پرفراز تر و پر نشیب تر  
حومه سخن برانیم از حوصله این مقال به در است  
و از دیگر سوا احساس گریز و ستیز دوستان در طول  
مسیر می رود.

اما از آنجایی که اینجانب جان ناقابل خویش را بر  
دست گرفته و حدود ۳ بار مسیر فوق الذکر رو طی  
نموده ام، تجربیاتم را در اختیار ان قرار میدهم، باشد که  
رستگار شوید!

۱- به دلیل قربات نژادی این قسمت از ایران با  
جنگل های آمازون حضور انواع اقسام موجودات  
پرنده، جهنده، خورده، گریزنده، کشنده و امثالهم دور  
از انتظار نخواهد بود. لذا گشودن حتی یک اسیلوم از  
شیشه ی کابین ماشین اوس ممد علی موجبات ورود  
موجوداتی مخوف و ریز جثه به داخل خودرو و...  
(تارنمای مورد نظر به دستور جانشین خواهران دور از  
دسترس قرار گرفت.)

۲- در طی مسیر حومه به علت پیچ های باز و بیه حد  
و نیم باز که بین ۲۷ درجه شمالی و ۸۹ درجه جنوب



## اثر متفاوت حامد زمانی روفایی شد + دانلود

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از بسیج، جدیدترین اثر حامد زمانی با موضوع اردوهای جهادی در مراسم شب خاطره جهادی با حضور روستاییان و رزمندگان جبهه جهادی منتظران خورشید در روستای ایلخ بلاغی قم رونمایی شد.

بر این اساس در حاشیه برگزاری اردوی جهادی جبهه منتظران خورشید، مراسم شب خاطره جهادی این روستا برگزار شد.

در این مراسم دکتر حسن زاده پزشکی که پس از ۲۶ سال زندگی در آمریکا چند ماهی است به ایران آمده و دومین اردوی جهادی خود را تجربه می کند خاطراتی از وضعیت جوانان در آمریکا و اردوهای جهادی جوانان ایرانی بیان کرد.

این اثر فاخر هنری که (اهل نبرد) نام دارد پیرامون اردوهای جهادی و مناطق محروم بوده که به سفارش روابط عمومی سازمان بسیج مستضعفین تهیه و تولید شده است.

برای دانلود از بارکد زیر استفاده کنید



## اردوی جهادی دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در خبرگزاری ها

به نقل از خبرگزاری دانشجو، فارس و وبدا بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در نظر دارد اردوی جهادی با نام "مجاهدان خاکی" را در حومه ی شهرستان خوی برگزار کند.

بنابه گفته محمد ضری، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، این اردو که از ۱۰ تا ۲۰ مرداد ماه سال جاری و با حضور ۱۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه در منطقه صفائیه و باهدف آموزشی، درمانی و با نیت افزایش سطح آگاهی عمومی و بهداشت همگانی و محرومیت زدایی برگزار خواهد شد.

طرفیت دچار اندکی اضافه وزن گشته اند. جهت از بین بردن این چربی های اضافی و حفظ آمادگی جسمانی، برنامه ای مدون را برای شمار نظر گرفته ایم:

- صبح ها بعد از اقامه نماز ورزش صبحگاهی را با دو ۵۰ متر بدون مانع آغاز خواهیم کرد. (ادامه شو موقع اجرا میگویم...)

- صبحانه یک لیوان آب به همراه سه قطره آلبیمو جهت حفظ نشاط و طراوت صبحگاهی. (گاهاً جهت شادی روح مان جای آلبیمو و آب را عوض خواهیم کرد.)

- جهت ذخیره مال و اموال و حفظ دست آوردهای ارزی و همچنین اهداف بلندپایه ی فوق الذکر برای هر دو نفر به پرس غذا بدون نان در نظر گرفته می شود.

- بعد از ظهر های روزهای فرد مراسم پر فیض و معنوی و نیمه ملکوتی رنگ آمیزی مدارس و غبارروبی مساجد به همراه اردوهای تفریحی تمیزکاری در سرویس های بهداشتی را خواهیم داشت که البته برنامه مدون و زمان بندی شده به استحضار حضرات عالی خواهد رسید.

- بعد از ظهرهای روز های زوج کلاس های نیمه مدون جهت یادگیری اصول بیل زنی، کاربرد های کلنگ در معماری اسلامی- ایرانی، مکانیسم انحلال سیمان سفید در آب و 3 واحد عملی اصول و فنون بنایی با حضور استاد غلامعلی بنا، حاذق ترین معمار خاورمیانه، برگزار خواهد شد. زمان دقیق کلاس ها به علت کنتاکت پرواز استاد هنوز مشخص نیست.

- پاشو پاشو... لنگه ظهره... پاشو پاشو... مامان!؟

- (بانهایت عطف و مهر مادری) زهرمار!

- من کجام؟ اینجا کجاست؟

- هی میگویم شام کم بخور... هی میگویم کم با اون بی صاحب شده بازی کن... زود بخواب... همین مون مونده بود دیوونه بشی... اینجا خونه مونه دیگه روانی... و... یعنی همش خواب بود...

**ترشحات ذهن یک  
دانشجوی بی مخ**

بندی و گاهاً جیره بندی شده در اختیاران قرار میگیرد. به این صورت که:

- آب شرب تنها صبح ها از ۵:۵۷ تا ۶:۱۸ و شب ها از ۲۲:۱۳ تا ۲۲:۳۶ در اختیار دوستداران آب قرار میگیرد. پرکردن دبه، پارچ، بطری آب معدنی یا نوشابه پیگرد قانونی دارد.

- برق تنها در ساعت ۱۶:۳۱ لغایت ۱۷:۵۱ در اختیار هم میهنان عزیز میباشند.

- از ارائه سایر خدمات معذوریم...!

نکته: شبها هنگام صداهای عجیبی از قبرستان مجاور خوابگاه و مرده شور خانه کنارش به گوش خواهد رسید. لذا از همه خواهران عاجزانه تقاضا داریم در صورت حمله قلبی، سکنه مغزی و سایر امراض مشابه مراتب را با جیغ بلبلی به استحضار برسانند. اجرکم عندالله!

**پ.ن: از کلیه خواهرانی که در طی این ده روز جان سالم به در ببرند روز آخر تست دوپینگ گرفته خواهد شد.**

۴- اما از هرچه بگذریم از سخن شکم

نمیشه گذشت چرا که به قول شاعر:

«شکم، پاره ی تنم!»

غذاهای این ۱۰ روز به سفارش معاونت از طرف شبکه بهداشت و درمان خوی

برامون میاد. شبیه غذای سلف خودمونه البته فك كنم به خورده چاشنی کاری ش

بیشتر که همون باعث هرکاری میشه... خلاصه نمیداره اسید معده مون به هدر

بره. البته خبرها حاکی از اونه که عده ای از خواهران دست به ملاقه شون خوبه! البته

واسه آقایون چندان مهم نیست ها چون هرچی دم دستشون باشه از سنگ نرم تر

میخورن... به خاطر خودتون میگویم که فردا

قراره برید خونه اون بدبخت فلک زده ی سوار بر اسب سفید...!

۵- اما با خبر شدیم که پس از خروج از ماه مبارک رمضان عده ای از برادران عزیزتر

از جان به سبب لاغری مفرط، کاهش ویتامین های محلول در شکم، افزایش ریسک ابتلا به بیماری های روان پریشی

از سوی خانه و کاشانه بسیار مورد توجه واقع گردیده اند. فلذا به سبب خورش بیش از

غربی تغییر مسیر میدهد احتمال هرگونه عارضه جاده ای وجود دارد که به ترتیب رخداد در سه گروه طبقه بندی میکنیم:

**الف: سیاهی چشمان و گيجی (siahi-e-cheshmanva) (giji):**

در ابتدای پیچ تا ۱۰ سانت به يك سوم میانی احساس خواهید کرد که چشمانتان سیاهی می رود و اتوبوس به دلیل قاطی کردن آب و روغن دایره وار به شعاع 17/8 سانتی متر به دور سرتان میچرخد. پیشنهاد میکنیم ضمن حفظ خونسردی به هیچ وجه از دکمه eject: بر صندلی تان استفاده نکنید. میتوانید از ابتدای سفر در کنار دوستان عینکی تان آرام بگیرید.

**ب: حالت تهوع (Halat-e-tahavvo):**

در نیمه های پیچ در صورت منفی بودن تست عدم تحمل گلوکز دچار حالت تهوع میشوید. (گلاب به روتون) از علائم آن میتوان به احساس سبکی، عدم تفکیک آلبالو از گیللاس، خنده های شیطانی، سخن وری بیش از حد کنار دستی تان و تمایل بیش از حد به دل و قلوئه تازه گوسفند کوهی اشاره کرد.

**ج: استفراغ (Estefragh):**

از ریشه فَرغ و از باب استفعال به معنی فارغ شدن که مکانیسم آن مویذ حضور میباشند.

که در این صورت پیشنهاد شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی این است که حتما

کیسه ای به همراه داشته باشین. در صورت امکان مشکی رنگ باشد تا مایحتوی و گل

و شکوفه هام مشخص نباشند. مچکریم!

۳- در مورد مکان اسکان خواهران هم نکاتی چند را عرضم:

الف- این مکان در ضلع جنوبی شهر و در منطقه متروک موسوم به «جین نر

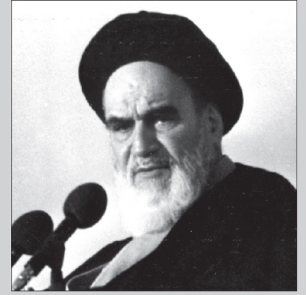
کوچه سی» واقع است. تنهها راه ارتباطی آن بی راهه ای است که از

قبرستان کنار خوابگاه میگذرد.

ب- امکانات و خدمات عمومی به علت حضور در شرایط پساتحریم و همچنان در دوران روحانی مچکریم به صورت زمان

## محروران صاحبان اصلی نهضت و کشور

مملکت مال خود شماست؛ مال جوانهای ماست. مملکت مال این زاغه نشینان است. که من خدامی داند برای اینها غصه می خورم... ما مرهون اینها هستیم. ما زندگیمان را اینها اداره می کنند. اینها اداره کردند. این جمعیت و امثال این جمعیت؛ جوانها؛ جوانهای دانشگاهی، جوانهای اداری، آنهایی که پیوند با ملت داشتند، بازاری، کشاورز، کارگر، همه اینها. آن طبقه بالا به ما کاری نداشتند. حالا هم کارشکنی می کنند و همه چیز می خواهند، می گویند مغزها فرار کردند! بگذار فرار کنند. جهنم که فرار کردند این مغزها! مغزهای علمی نبودند این مغزها، مغزهای خیانتکار بودند، و الا کسی از مملکت خودش فرار می کند به امریکا؟! از مملکت خودش فرار می کند به انگلستان و زیر سایه انگلستان می خواهد زندگی بکند؟ پیوند می کند با بختیار و امثال بختیار که مملکت ما را به تباهی کشیدند؟



## حرف اول

شما چه کارها کردم و لحظه ای به شما فرصت استراحت ندادم. ای چشمها من نگذاشتم شبها بخوابید... «همین طور با اعضای بدنش صحبت می کند که من به شما سخت گرفتم، برای این که دنیا فرصت جهاد و تلاش است. جای خوابیدن نیست. بعدها آن قدر در قبر می خوابیم تا بپوسیم. در این پنجاه یا شصت سال که زندگی می کنیم، نباید خوابید.

حضرت امیر علیه السلام می فرمایند، مومن کسی است که نفس خودش را رها نمی گزارد که هر کاری انجام دهد... نفس خودش را به زحمت می اندازد برای آخرتش. از خواب و خوراک کم می کند و به تلاشش می افزاید، به تلاش علمی و عملی اش.

... بعد دیگری که آدم در اردوهای جهادی رشد می کند، بعد احساس و عاطفه است. انسان مومن باید احساساتی باشد. البته احساسات نباید بر عقل غلبه کند، اما احساسات خیلی مهم است. انسان های بی عاطفه، بسیار نفرت انگیز و کثیف هستند. یکی از علائم بی ایمانی بی عاطفگی است... هفته ی پیش در تهران در روزنامه خواندم که در یکی از محله های بالاشهر (چون پایین شهر اگر کسی تصادف کند صد نفر به کمکش می آید بالا شهر است که سرهایشان را بالا می گیرند و رد می شوند) یک موتور تصادف کرده بود و حدود یکی دو ساعت روی زمین جان می داده، ولی کسی نبود که او را به بیمارستان ببرد. در حالی که در پایین شهر یا یک روستا اگر کسی روی زمین بیفتد مردم رد نمی شوند. پیامبر فرمود: «الجلس من الاغنیاء یمیت القلب؛ نشست و برخواست با سرمایه داران قلب انسان رامی میراند.» یعنی اگر با سرمایه داران و مرفهین بی درد نشست و برخواست کنیم، خودمان هم آدم بی دردی می شویم. بی غیرت می شویم و احساسات انسانی مان می میرد. فرمود: «مجالست الموتامیت القلب. با مرده ها نشست و برخواست نکند که قلبتان می میرد.» کسی از حضرت پرسید مرده ها چه کسی هستند؟ فرمودند: «کل غنی مترف؛ مرفهین بی درد.»

(ادامه از صفحه اول). انسان هم همین طور است. ما تا وقتی در پیله ی خودمان هستیم، یعنی تا زمانی که فقط به منافع خودمان فکر می کنیم، انگیزه هایمان صرفاً شخصی و نفسی و مادی است و محدود به دنیای شخصی خودمان. مثل همان کرم هستیم و داریم می لولیم که اگر ما را از بیرون نگاه کنند نفرت انگیز هستیم. اما آن وقت که رشد می کنیم و از پیله ی خود بیرون می آییم، پروانه شده و می توانیم پرواز کنیم و از بالا همه چیز را تماشا کنیم. هم خودمان زیبا می شویم و هم همه چیز را از بالا، زیبا می بینیم. آن وقت است که فقط به فکر منافع خود نیستیم، واقع بین و دردمند شده ایم. از خدمت به دیگران لذت می بریم و رشد معنوی می کنیم...

... انسان وقتی قدر نعمت ها را بیشتر می داند که واقعیت های جامعه را بیشتر بفهمد. شما دانشجویان، چند سال دیگر دکتر یا مهندس می شوید، ولی از این ها مهمتر این است که آدم بشوید. ما در حوزه و دانشگاه مالا زیاد داریم، ولی آدم کم داریم. در این اردوهای جهادی آدم می شوید. قدر آن را بدانید. حضرت امیر می فرمایند: «یا ایها الناس توبالمن خالت اهل ذلت والمسکنة. ای مردم! خوش به حال کسانی که با خاکساران و بینوایان رفت و آمد می کنند.» یعنی از دید حضرت، توفیقی از این بالاتر نیست که وقت مردم با فقرا و محرومین سپری شود و روز و شب بین آن ها زندگی کنند. «اهل ذل» یعنی کسانی که در جامعه جزو افراد ذلیل اند، و «المسکنة» یعنی کسانی که مسکین اند.

... شخصی از امیر مومنان پرسید: از نظر شما یک انسان دینی و مومن چگونه آدمی است؟ حضرت فرمودند: خودش از دست خودش در عذاب است. یعنی بر خودش سخت می گیرد، اما مردم از دست او در آسایش اند و همیشه در حال خدمت است.

شهید چمران روز قبل از شهادت، با بدن خوش این گونه صحبت می کند: «ای پا می دانم که از تو چقدر کار کشیدم، ولی کمی دیگر صبر کن تا به تو آرامش مطلق بدهم. ای دست ها می دانم با

## هدف از برگزاری اردوهای جهادی چیست؟

### ۱- خودسازی:

برخی بر این باورند که خدمت های که به مناطق محروم از طریق این حرکتها ارائه می شود چندان قابل توجه نیست و بیشترین استفاده شرکت کنندگان این مسافرتها می نمایند چرا که انجام یک کارداری، عمرانی یا کشاورزی و... تحول چندانی را در منطقه ایجاد نمی کند، اما حضور جوانان در میان مردم مناطق محروم و لمس کردن محرومیت از نزدیک، نگاهشان را به دنیا و نعمتهای موجود در آن عوض می کند. انسان از انحصار طلبی خود بیرون آمده و وجدانش کمی بیدار می شود. هم قدر نعمتهای در دسترس خود را بیشتر می فهمد و هم کم کاری خود را نسبت به دیگران بیشتر احساس می کند. چنین شخصی اگر موقعیتی برایش پیش بیاید محرومان جامعه را فراموش نمی کند و همیشه با روحیه ای متفاوت تر از قبل با جامعه و مردم روبرو می شود.

تعالیم زیادی در اسلام مبنی بر مجالست با محرومان وجود دارد که طی این سفرها اتفاق می افتد. با این نگاه سعی بر این است که استفاده شرکت کنندگان از مسافرت هر چه بیشتر باشد و تعلقگری که به افراد زده می شود ماندگارتر باشد.

### ۲. خدمات فرهنگی:

برخی معتقدند حضور در مناطق محروم، حضور خدمت رسانی است و اولویت خدمتی که به مناطق محروم ارائه می شود مسائل فرهنگی است و اگر برخی خدمات دیگر ارائه می شود، بخاطر این است که کار فرهنگی در اتنای سایر خدمات با مقبولیت بیشتری از طرف مردم مورد پذیرش واقع می شود. چرا که مردم می بینند افرادی مطالب فرهنگی را بیان می کنند که به فکر سایر امور مردم از قبیل مسائل رفاهی و... هم هستند، لذا راحت تر مورد پذیرش واقع می شوند.

البته باید اشاره بکنیم که با توجه به تفاوت تعریف مقوله «فرهنگ» انشعب هلی در خود این دیدگاه نیز بوجود می آید. گاهی کار فرهنگی به معنای بیان معارف ابتدایی دین از قبیل احکام و برخی مسائل اخلاقی و معارف اعتقادی است. ولی گاه فرهنگ در یک معنای عام تر که خیلی از اعتقادات مردم اعم از دینی و غیردینی را شامل می شود که خدمات فرهنگی در اینجا دایره وسیعتری را شامل می شود که مسائلی مثل فرهنگ تلاش و کار، روحیه همکاری و همدلی و نوع دیدگاه جامعه به زن و... مثالهایی است که در این زمینه می توان اشاره نمود که البته اینها همه جزو مسائل دینی ما هستند که در نگاه وسیع مابعد دین می توان نظرات اسلام را استخراج نمود و از طرق مستقیم و غیر مستقیم مردم را به آنها سوق داد.